

Influence of Political Connections on the Relationship between Management Ability and Fraudulent Financial Reporting

*Mohammad Nazaripour (Ph.D)**

*Salahaldin Maghsodpour***

Abstract

Objective: The quality of firm management can have a significant effect on firm value, and can provide a basis for making proper economic decisions by preparing useful reports and publishing them in the capital market. Also, political connections affect managers' motivation for financial reporting and preparing financial statements. This research aims to examine the influence of political connections on the relationship between management ability and fraudulent financial reporting in the companies listed in the Tehran Stock Exchange, Tehran Stock Exchange.

Method: Regarding the purpose of this study, a sample of 158 companies listed in the TSE was selected from 2011 to 2017, and then, a data of 1106 firm-years was analyzed by a polynomial logistic regression model.

Results: The findings showed that there is a negative and significant relationship between management ability and fraudulent financial reporting. Also, political connections have a significant and positive impact on the management ability and the fall of fraudulent financial reporting.

Conclusion: The increased ability of management reduces the fraudulent financial reporting, and the political connections of the firm reduce the influence of the increased ability of management, aiming at reducing fraudulent financial reporting. That is, in companies with political connections, as management ability increases, fraudulent financial reporting increases. In other words, in companies with political connections, the manager's ability to reduce fraudulent reporting is weaker than the manager's ability in the fraudulent area in companies without political connections.

Keywords: *Political Connections, Management Ability, Fraudulent Financial Reporting.*

Citation: Nazaripour, M., Maghsodpour, S. (2020). Influence of political connections on the relationship between management ability and fraudulent financial reporting. *Journal of Accounting Knowledge*, 11(2), 169-207.

* Associate Professor of Accounting, University of Kurdistan, Sanandg, Iran.

** M.A. of Accounting, University of Kurdistan, Sanandg, Iran.

Corresponding Author: Salahaldin Maghsodpour (Email: salahadin2534@gmail.com).

Submitted: 12 September 2019

Accepted: 24 December 2019

DOI: 10.22103/jak.2020.14697.3085

تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه

دکتر محمد نظری پور*

صلاح‌الدین مقصودپور**

چکیده

هدف: کیفیت مدیریت شرکت می‌تواند یک اثر تأییدکننده‌ای بر ارزش شرکت داشته و از طریق ارائه گزارش‌های سودمند و انتشار آنها در بازار سرمایه می‌تواند زمینه اتخاذ تصمیمات صحیح اقتصادی فراهم نماید و از طرفی ارتباطات سیاسی، انگیزه مدیران در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو هدف از انجام این پژوهش، تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

روش: به‌منظور دستیابی به هدف پژوهش، براساس رگرسیون لجستیک دوجمله‌ای، تعداد ۱۵۸ شرکت از میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ به روش نمونه‌گیری، جامعه در دسترس انتخاب و در مجموع ۱۱۰۶ سال-شرکت جهت انجام تحلیل در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین تأثیر ارتباطات سیاسی، بر توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه یک رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

* استادیار گروه حسابداری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

** کارشناس ارشد گروه حسابداری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

نویسنده مسئول مقاله: صلاح‌الدین مقصودپور (رایانامه: salahadin2534@gmail.com).

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۲۱

نتیجه‌گیری: با افزایش توانایی مدیریت، گزارشگری مالی متقلبانه کاهش می‌یابد و ارتباطات سیاسی شرکت می‌تواند تأثیر توانایی مدیریت در کاهش گزارشگری مالی متقلبانه را تضعیف یا محدود کند. بدین معنی، در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی با افزایش توانایی‌های مدیریت گزارشگری مالی متقلبانه نیز افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، توانایی مدیریت در کاهش گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی، ضعیف‌تر از شرکت‌های بدون ارتباطات سیاسی است.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات سیاسی، توانایی مدیریت، گزارشگری مالی متقلبانه.

استناد: نظری پور، محمد؛ مقصودپور، صلاح‌الدین. (۱۳۹۹). تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه. *دانش حسابداری*، ۱۱(۲)، ۱۶۹-۲۰۷.

مقدمه

رسوایی‌های رسمی و غیررسمی حسابداری در طول دو دهه گذشته اعتماد سرمایه‌گذاران به بازارهای سرمایه و گزارشگری مالی را کاهش داده و توجه بیشتری را از سوی دانشگاهیان، کارشناسان و قانون‌گذاران به خود جلب کرده است (وانگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). از طرفی، بازار سرمایه به‌عنوان موتور محرکه اقتصاد بر محور اطلاعات قرار دارد. جریان درست اطلاعات در این بازار به اتخاذ تصمیم‌های درست و منطقی از سوی مشارکت‌کنندگان منجر می‌شود و سرانجام توسعه اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی را به ارمغان می‌آورد. گزارش‌های مالی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی است که هدف آن، فراهم کردن اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است و بخش اعظمی از نیاز اطلاعاتی بازار سرمایه را فراهم می‌کند (نیکومرام، بادآور نهندي، ۱۳۸۸). بنابراین، اعتماد به صحت اطلاعات و گزارش‌های مالی، سنگ بنای بازارهای سرمایه است و گزارشگری مالی متقلبانه این اعتماد را خدشه‌دار می‌کند (رضایی^۲، ۲۰۰۲). همچنین، کیفیت صورت‌های مالی و نحوه گزارش ارقام بااهمیت مندرج در صورت‌های مالی که تصمیمات ذینفعان شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از دیرباز دارای حساسیت زیادی بوده است (رضایی و افروزی، ۱۳۹۴). لذا، نهادهای ناظر نسبت به صادقانه یا متقلبانه بودن گزارش‌هایی که توسط مدیران تهیه می‌شود (مانند گزارش هیئت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام)، حساس هستند. چون

انگیزه‌های تقلب در مدیران می‌تواند در گزارش‌های مذکور منعکس شود (رهروی دستجردی، ۱۳۹۷).

از آنجایی که مدیران توانا از دانش کافی برخوردار بوده و قضاوت‌ها و برآورهایشان نیز کارآمد است، لذا آنها می‌توانند از منابع سازمان در راستای تحقق حداکثری اهداف بنحوه شایسته‌ای استفاده نمایند. بعلاوه، نقش توانایی مدیریتی می‌تواند ریسک عملکرد ضعیف و ریسک ورشکستگی شرکت را کاهش دهد و همچنین باعث کاهش مبلغ حق الزحمه حسابرسی شود. در نهایت در محیط‌هایی که احتمال وقوع تقلب بالاست، توانایی مدیریتی می‌تواند احتمال وقوع گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش دهد (کریشنان و وانگ^۳، ۲۰۱۴). توانایی مدیریتی دارای اثر تاییدکننده‌ای بر ارزش شرکت دارد؛ بدین معنی عموماً، نهادهای نظارتی بواسطه محدودیت امکانات و زمان عمدتاً بر روی شرکت‌های فاقد مدیران توانمند متمرکز می‌شوند. بنابراین، انتظار می‌رود توانایی مدیریتی باعث کاهش احتمال رسیدگی‌های تفصیلی تر و وضع مجازات از سوی سازمان‌های نظارتی شود (چمنور و پاچلیس^۴، ۲۰۰۵). طبق نظریه علامت‌دهی، مدیران توانمند نه تنها تمایلی به مبهم و پیچیده نمودن عملکرد مطلوب خود ندارند، بلکه به منظور آگاه ساختن سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی از عملکرد مطلوب و توانایی‌های خود اقدام به انتشار گزارش‌های مالی خواناتر و قابل فهم‌تر می‌نمایند (حسن^۵، ۲۰۱۷). به طوری که شرکت‌های دارای مدیران توانمند کمتر از سایر شرکت‌ها اقدام به مبهم ساختن عملکرد واقعی خود می‌نمایند (اندرو^۶ و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، استدلال بر این است که مدیران توانا گزارش‌های مالی و اطلاعات بااهمیت شرکت به موقع به بازار سرمایه افشا کنند و گزارشگری مالی متقلبانه کمتری داشته باشند. در نتیجه، حتی در یک اقتصاد مبتنی بر رابطه، توانایی‌های مدیریتی می‌تواند نقش مهمی در کاهش گزارشگری مالی متقلبانه داشته باشد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷). از طرفی، وجود تضاد منافع بین مدیران و مالکان باعث می‌شود که صداقت و درستی مدیران در گزارش جنبه‌های مختلف عملکرد شرکت، مورد تردید باشد (جنسن و مک‌لینگ^۷، ۱۹۷۶)؛ زیرا مدیران معمولاً تمایل دارند

اطلاعات در خصوص عملکرد مثبت شرکت را افشاء نموده، اطلاعات مرتبط با عملکرد ضعیف خود را پنهان نمایند. همچنین، نظریه مدیریت مبهم بیان می‌کند زمانی که عملکرد شرکت ضعیف است، مدیران تمایل دارند تا اطلاعات را به صورت مبهم و پیچیده ارائه نمایند، زیرا بازار ممکن است به اطلاعاتی که به صورت پیچیده افشاء شده با تأخیر واکنش دهد (آجینا^۸ و همکاران، ۲۰۱۵). بنابراین، پیش‌بینی می‌شود مدیران با توانایی کم گزارشگری مالی متقلبانه بیشتری نسبت به شرکت‌های که مدیران توانا دارند، داشته باشند.

طبق نتایج بسیاری از پژوهش‌ها، رعایت استانداردهای حسابداری به تنهایی نمی‌تواند تضمینی برای کیفیت صورت‌های مالی و اقلام مندرج در آن باشد، زیرا عوامل دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند بر کیفیت صورت‌های مالی و گزارشگری مالی تأثیرگذار باشند. یکی از این عوامل، نفوذ سیاسی مدیران و مالکان بنگاه‌های اقتصادی در محافل سیاسی و روابط آنها با کانون‌های قدرت سیاسی است (چانی^۹ و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به تقاضای مختلف بازار، به دلیل وجود بازارهای مالی مختلف، کیفیت گزارشگری مالی بسیار متفاوت است، گزارش‌دهی نقش‌های اقتصادی مختلفی ایفا می‌کند. در یک محیط مبتنی بر رابطه، شرکت‌ها تمایل دارند عدم تقارن اطلاعاتی را از طریق ارتباطات سیاسی برطرف کنند، بنابراین کیفیت گزارشگری کمتری دارند (بل و شیوکر^{۱۰}، ۲۰۰۵). از طرفی، شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی در آسیا، از رانت‌های اقتصادی ویژه و معافیت در برابر قوانین و مقررات معین، بهره می‌برند (جانسون و میتون^{۱۱}، ۲۰۰۳؛ ایمای^{۱۲}، ۲۰۰۶). بدین معنی، رانت‌جویی اطلاعات در کشورهای در حال توسعه بسیار شایع و سودآور است. به‌طور خاص اجرای قانون در کشورهای در حال توسعه ضعیف است و جریمه‌های اعمال‌شده برای تقلب در صورت‌های مالی برای افزایش انگیزه‌های داخلی و ارائه گزارش‌های مالی باکیفیت بالا، بسیار پایین است. بنابراین، شرکت‌های مرتبط با سیاست به‌احتمال بیشتری درگیر گزارشگری مالی متقلبانه شوند (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین، به دلیل حضور نداشتن مالک انفرادی و خصوصی، ارزیابی عملکرد شرکت و نظارت بر رفتار مدیران در شرکت‌های تحت

حمایت سیاسی دولت، بسیار کم‌رنگ است (ابراهیمی کردلر و شهریاری، ۱۳۸۸). بنابراین، استدلال شده است که فعالیت مدیران سیاسی از شفافیت کمتری برخوردار است و مدیران اطلاعات سیاسی را از سهامداران پنهان می‌کنند (دنگ^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۷). از آنجا که شرکت‌ها با ارتباطات سیاسی معمولاً منافع خود را در روابط سیاسی می‌جویند، آنها ممکن است هر عمل عمدی گمراه‌کننده را در گزارش‌های مالی خود به سرمایه‌گذاران را مخفی و یا پنهان کنند (لئوز^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۳).

پژوهش حاضر یکی از ویژگی‌های مهم مدیران (توانایی مدیریتی) را مورد توجه قرار می‌دهد. برخلاف کشورهای غربی که فضای کسب و کارشان قانونمند است (پیتروسکی^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۵)، کشورهای در حال توسعه که نظام اقتصادی آنها معمولاً براساس روابط است (خواجوی و حسینی، ۱۳۸۹) و همچنین، کشورهایی که سیستم قانونی و حکومتی آنها ضعیف و بی‌ثبات است، فساد اقتصادی در سطح بالایی قرار دارد. لذا، در این کشورها روابط سیاسی برای شرکت‌ها مهم و باارزش تلقی می‌شود (گلدمن^{۱۶} و همکاران، ۲۰۰۸). علی‌رغم مشهود بودن نقش روابط در اقتصاد ایران، اینکه آیا مدیران ایرانی از توانایی لازم برای کاهش ارتکاب تقلب (مخصوصاً مدیران شرکت‌های بورسی) برخوردارند یا نه؟ مبهم است. همچنین، در چارچوب فرهنگ رابطه‌ای در ایران، می‌توان سؤال زیر را مورد بررسی قرار داد: آیا تاثیرگذاری توانایی مدیریتی بر تقلب (در صورت وجود) بطور سیستماتیک با مراودات سیاسی رابطه دارد یا نه؟ لذا، با توجه به پژوهش‌های اندکی که در خصوص رابطه بین معیارهای کیفی و گزارشگری مالی متقلبانه صورت گرفته است، نیاز و ضرورت دارد معیارهای کیفی از جمله (توانایی مدیریت و ارتباطات سیاسی) که بر گزارشگری مالی متقلبانه تأثیرگذار است شناسایی و بررسی شود. با این وجود، علیرغم اهمیت بالای مطالعه رویکرد گزارش‌های مالی متقلبانه در شرکت‌های سیاسی، تاکنون این موضوع در ادبیات داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر، با بررسی رفتار شرکت‌های وابسته به سیاست از دیدگاه توانایی مدیریت بر گزارشگری مالی متقلبانه می‌تواند برای ادبیات موجود

دانش افزایی داشته باشد. در بخش‌های بعدی پژوهش، ابتدا مبانی نظری، پیشینه و فرضیه‌های پژوهش و روش پژوهش ارائه شده است. سپس با بیان یافته‌ها و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها، پژوهش به پایان می‌رسد.

پیشینه پژوهش و تدوین فرضیه‌ها

توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبان

طبق تئوری نئوکلاسیک مدیران ارشد فرق چندانی با یکدیگر نداشته و لذا می‌توانند جایگزین هم شوند (برترند و شوار^{۱۷}، ۲۰۰۳). با این حال، مطالعات اخیر نشان می‌دهد که هر کدام از مدیران می‌توانند بطور ویژه بر تصمیمات شرکت تأثیرگذار باشند. به‌طور خاص، مطالعات متعدد در ادبیات حسابداری نشان می‌دهد که اعمال ویژه فردی مدیران بر افشای داوطلبانه شرکت‌ها و پیامدهای گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد (دجونگ و لینگ^۸، ۲۰۱۳) و همچنین، توانایی مدیران در استفاده بهینه از منابع سازمان منوط به یکپارچه‌سازی مهارت‌های مختلف همچون مهارت فنی، مهارت انسانی و مهارت مفهومی است (کنز^{۱۹}، ۱۹۵۵). از طرفی، ویژگی‌های فردی مدیران در انتخاب رویه‌های حسابداری هر شرکتی مهم است (جی^{۲۰} و همکاران، ۲۰۱۱). زیرا، این قابلیت مدیریتی نه تنها بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد، بلکه بر احتمال اجرای قوانین و مقررات سازمان بورس و اوراق بهادار تأثیر می‌گذارد.

مدیران توانا بیشتر در مورد چشم‌انداز شرکت، روند صنعت و شرایط کلان اقتصاد آگاهی دارند؛ بدین ترتیب، آنها می‌توانند پروژه‌های بهتر را انتخاب کرده و با احتیاط اجرا کنند. بنابراین، شرکت‌هایی که مدیران توانا را استخدام می‌کنند، بهتر از شرکت‌هایی هستند که مدیران توانا ندارند (کارملی و تیشلر^{۲۱}، ۲۰۰۴). از آنجایی که مدیران توانا بیشتر در مورد کسب و کار خود آگاه هستند و می‌توانند قضاوت‌های مؤثر را برآورده کنند، احتمال این که مرتکب تقلب شوند، کمتر است (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷). چمنور و پاچلیز (۲۰۰۵)، نشان دادند که کیفیت مدیریت شرکت می‌تواند یک اثر تأییدکننده‌ای بر ارزش شرکت داشته باشد. بدین معنی، مدیران توانا تر می‌توانند، اعتبار و ارزش شرکت را به دیگران بهتر نشان

دهند. سازمان‌های نظارتی علاوه بر بررسی‌های منظم، می‌توانند از طریق بازرسی‌های تصادفی، نظرسنجی‌ها، گزارش‌های خبری و منابع مختلف دیگری شرکت‌های متقلب را شناسایی و کنترل کنند. از آنجایی که، کارکنان سازمان‌های نظارتی که با محدودیت‌های زمانی و منابع مواجه هستند، اغلب به این منابع وابسته هستند تا مشخص کنند که نقض قوانین صورت گرفته است (فیلز^{۲۲}، ۲۰۱۲). همچنین، اقدامات اجرایی سازمان‌های نظارتی، ناشی از نقض شرکت‌ها از اصول پذیرفته‌شده حسابداری مسلماً هزینه‌های بیشتری را برای شرکت‌ها و مدیران در پی خواهد داشت (چن^{۲۳} و همکاران، ۲۰۰۵). با توجه به اثر تاییدکنندگی توانایی مدیریتی، در مقایسه با شرکت‌های دارای مدیران توانمند، نهادهای نظارتی توان و انرژی بیشتری را صرف رسیدگی گزارشات مالی شرکت‌های دارای مدیران ضعیف خواهند نمود. این امر احتمال وضع جرائم بر شرکت‌های دارای مدیران توانمند را کاهش می‌دهد.

هدف اصلی گزارشگری مالی طبق چارچوب نظری حسابداری، ارائه اطلاعاتی است که در فرآیند تصمیم‌گیری، به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه مفید واقع شود (ثقفی و کردستانی، ۱۳۸۳). وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه یکی از ارکان اصلی پاسخگویی مدیران اجرایی و از نیازهای اساسی تصمیم‌گیری اقتصادی است. اطلاعات مایه حیات بازارهای سرمایه است، به‌منظور بقا بازارهای سرمایه لازم است سرمایه‌گذاران اطلاعات شرکت‌ها را صحیح، کامل، قابل اطمینان و به‌موقع بدانند. مدیران با توانایی مدیریت بالا با فراهم نمودن گزارش‌های سودمند و انتشار آنها در بازار سرمایه می‌تواند بر تصمیم‌گیری مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه تأثیر گذارد و زمینه را برای اتخاذ تصمیمات صحیح اقتصادی فراهم نماید (صفدری و همکاران، ۱۳۹۶).

به اعتقاد استراوس و کریین (۱۳۹۴). مهم‌ترین دلیل برای ارتکاب تقلب در صورت‌های مالی اعمال فشار به مدیریت برای گزارش سود است. مدیریت یا کارکنان، ممکن است تحت فشارهای مالی و یا غیرمالی به تقلب در صورت‌های مالی اقدام نمایند، فشار ممکن است ناشی از انتظارات غیرواقع‌بینانه تحلیلگران در مورد سود، ساختارهای

پاداش و انگیزشی، نیاز به تأمین مالی خارجی، و عملکرد ضعیف باشد. بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۹۹، ثبات مالی، فشار خارجی، وضعیت مالی شخصی مدیران و رسیدن به اهداف مالی چهار نوع فشار کلی که ممکن است منجر به تقلب در صورت‌های مالی شود، ذکر کرده است. همچنین، عدم تحقق پیش‌بینی‌های هیئت‌مدیره و تحلیلگران بازار سرمایه، شرایط قرارداد وام، محدودیت ماده ۱۴۱ قانون تجارت، ناتوانی شرکت در رقابت با دیگر شرکت‌های فعال در صنعت، لزوم کسب معیارهای تعیین شده توسط سهامدار عمده یا شرکت مادر، حمایت از قیمت سهام نمونه‌هایی از شکل سازمانی فشار دانست. بنابراین، با توجه به «مثلث تقلب» (کریسی، ۱۹۵۰)، فشار و نیازهای مالی می‌تواند فعالیت‌های متقلبانۀ مدیران را تحریک کند. این مورد در اقتصادهای در حال گذر همچون ایران صادق بوده است، زیرا؛ در محیط‌های با قوانین ضعیف امکان بروز رفتارهای متقلبانه وجود دارد. در نتیجه، مدیران با عملکرد ضعیف تمایل بیشتری به جعل اسناد مالی شرکت و ارائه گزارش مالی حاوی تقلب اقدام می‌کند، بنابراین می‌توان ادعا نمود در مقایسه با سایر شرکت‌ها، شرکت‌های دارای مدیران با توانایی کم، بیشتر به سمت ارائه گزارشات مالی متقلبانه سوق پیدا می‌کنند.

از طرفی دیگر، مدیران دارای توانایی ذاتی بیشتر، قدرت درک و تحلیل بیشتری از شرایط حال و آینده شرکت و صنعت دارند و شناخت کافی به دست آورده و نسبت به انتخاب پروژه‌های با کیفیت تر و دارای ریسک پایین تر اقدام می‌کنند. بنابراین توانایی مدیران می‌تواند به صورت مستقیم بر پایداری فعالیت شرکت (از طریق پایداری سود و ...) اثر گذاشته و به تبع آن تصمیمات استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه، تخمین‌های آنها در رابطه با سیاست‌های تأمین مالی از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود (دمرجیان^{۲۴} و همکاران، ۲۰۱۳). با توجه به ویژگی‌هایی که دارند قادر خواهند بود ریسک‌های عملکرد ضعیف شرکت را کاهش و سیاست‌های اتخاذ شده خواهد توانست حداکثر سودآوری را برای شرکت به دنبال داشته باشد. در این حالت، استفاده از

اجتناب مالیاتی به منظور رساندن سود به حد مورد نیاز سهامداران ضروری نخواهد بود (ریجو و ویلسون^{۲۵}، ۲۰۱۲). در دوره‌های که شرکت با بحران روبروست، مدیران تواناتر، تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز خواهند داشت (اندرو و همکاران، ۲۰۱۳). و مدیران با رکودهای مالی و اقتصادی، شوک‌های منفی و ناخوشایند مقابله کرده و شرکت را از بروز در ماندگی و در نهایت ورشکستگی در شرکت‌ها جلوگیری می‌کند. چالاکي و همکاران (۱۳۹۷). بنابراین، هرچه توانایی مدیریت در کنترل واحد مورد رسیگی بیشتر باشد، واحد تجاری مذکور، بیشتر در عرصه رقابت باقی خواهد ماند و توان رقابتی بالاتری خواهد داشت (نیکبخت و قاسمی، ۱۳۹۷). بدین ترتیب مدیران با توانایی بالا دارای قدرت تصمیم‌گیری بالا و اطلاعات کافی از محیط شرکت و صنعت دارند، لذا در شرایط بحرانی قادر خواهند بود قضاوت‌های بهتری نزدیک به واقعیت داشته باشند. بنابراین، با توجه به نظریه مثلث تقلب (کریسی، ۱۹۵۰)، بنگاه‌هایی که مدیران توانا دارند، فشارهای مالی کمتری دارند در نتیجه انگیزه کمتری برای گزارش‌های مالی متقلبانه دارند.

ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانه

مطالعات تجربی حسابداری نشان داده است که ساختارهای اقتصادی و سیاسی نظیر نظام حقوقی - قضایی، قوانین تجاری و مالیاتی، عرف، فرهنگ و نظام سیاسی در کنار فشار بازار سرمایه، رفتار مدیران و حساب‌برسان، سرمایه‌گذاران، تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات و دیگر فعالان بازار سرمایه را نسبت به گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد (بوشمن^{۲۶} و پیتروسکی، ۲۰۰۶). از طرفی، با توجه به تقاضای مختلف بازار، به دلیل وجود بازارهای مالی مختلف، کیفیت گزارشگری مالی بسیار متفاوت است و گزارش‌دهی نقش‌های اقتصادی مختلفی ایفا می‌کند. (بل و شیو کمر، ۲۰۰۵). واحدهای تجاری به‌منظور مواجهه با فشارهای سیاسی، تلاش می‌کنند گزارشگری مالی خود را در جهت هدایت نمایند که تفسیر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی موجب انتقال ثروت به خارج از شرکت نشود (رضایی و افروزی، ۱۳۹۴). در واقع مد نظر قرار دادن عواقب گزارشات مالی شرایطی را فراهم می‌کند که صورت‌های مالی نتواند به‌طور صادقانه بیانگر نتایج فعالیت‌های شرکت باشد

(ابراهیمی کردلر و شهریاری، ۱۳۸۸). همچنین، سیاستمداران و تمام طرف‌های سیاسی انگیزه دارند که منابع تحت کنترل دولت را افزایش دهند، زیرا این افزایش در جهت افزایش توانایی آنهاست (واتز و زیمرمن^{۲۷}، ۱۹۹۰). بنابراین، طبق تئوری نمایندگی می‌توان استدلال نمود که؛ مدیران شرکت‌های وابسته به سیاست، شخصیت‌های ریسک‌پذیر که سعی می‌کنند کمتر تلاش کنند و از طرفی، توانایی و مهارت‌های بیشتری دارند، توصیف می‌کند. (لیم^{۲۸}، ۲۰۰۲).

بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) معتقدند که افراد سیاسی از توانایی لازم برای کنترل قانون‌گذاران در راستای منافع خودشان از طریق دادن رشوه و سایر مزایا برخوردارند. بنابراین، واضح است که شرکت دارای ارتباطات سیاسی انگیزه بیشتری برای غیرواقع نشان دادن یا بیش از حد نشان دادن سود زیاد است؛ زیرا در این گونه شرکت‌ها می‌بایست اطلاعاتی برای خنثی‌سازی (پوشاندن) فعالیت‌های برگرفته از روابط سیاسی تهیه و ارائه شود. به‌طور کلی، انگیزه شرکت‌ها برای ارائه گزارش‌های مالی با کیفیت بالا با افزایش ارتباطات سیاسی کاهش می‌یابد و به نوبه خود احتمال وقوع تقلب در گزارش‌های مالی با افزایش روابط سیاسی افزایش می‌یابد. به همین ترتیب، دلیل این امر این است که توانایی مدیر نقش کمتری در مدیریت کسب‌وکار و کاهش احتمال تقلب در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی دارد تا شرکت‌های بدون ارتباطات سیاسی (**وانگ و همکاران، ۲۰۱۷**). بر این اساس، شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، انگیزه قوی‌تری برای مبهم بودن (غیر شفاف ماندن) اطلاعات و پیشگیری کامل رقیب از ضمانت اجرایی قانون اجتماعی را دارد (**فان^{۲۹} و وانگ، ۲۰۰۵**). این می‌تواند انگیزه مدیران را برای جلوگیری از تقلب کاهش دهد. بنابراین، زمانی که مجازات‌های سازمان‌های نظارتی برای شرکت‌های متقلب نسبتاً کم تعیین می‌شود، مجازاتی که توسط سازمان‌های نظارتی اجرا می‌شود، برای افزایش انگیزه شرکت‌ها برای جلوگیری از تقلب مالی گزارش نمی‌شود (**وانگ و همکاران، ۲۰۱۷**). بر این اساس، شرکت‌هایی که دارای روابط سیاسی هستند، به واسطه ارتباط با نمایندگان کنگره، و

پرداخت وجوه به آنها به کمیسیون بورس اوراق بهادار فشار وارد کرده و بر آن نفوذ دارند و این موضوع باعث می‌شود تا از سوی این کمیسیون کمتر جریمه شوند و همچنین شرکت‌های دارای کیفیت اطلاعات مالی پایین، برای جلوگیری از جریمه کمیسیون بورس اوراق بهادار، از روابط سیاسی استفاده می‌کنند (کوریان^{۳۰}، ۲۰۱۲).

طبق فرضیه ارتقای سیاسی عملکرد مدیران شرکت‌های دولتی به‌طور عمده بر اساس معیارهای کوتاه‌مدت سنجیده می‌شود. بنابراین، مدیران این شرکت‌ها هم بیشتر بر سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کوتاه‌مدت تمرکز می‌کنند. پروژه‌هایی که در کوتاه‌مدت آثار مثبت دارند، ولی در بلندمدت معکوس می‌شوند. لذا، مدیران در اثر تمرکز بر معیارهای عملکرد کوتاه‌مدت به استفاده از رویه‌های حسابداری متهورانه هم رغبت بیشتری نشان می‌دهند و در نتیجه بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار هستند (ژو و لی^{۳۱}، ۲۰۰۸). همچنین، یکی از پیامدهای مالکیت دولتی فقدان نظارت مؤثر بر عملکرد مدیران شرکت‌های دولتی بوده و در انتصاب مدیران اینگونه شرکت‌ها به‌جای ضوابط عمدتاً روابط مبنا قرار می‌گیرد، در نتیجه این دسته از مدیران تمایل دارند برای ارتقای موقعیت سیاسی خود به هر نحوی شده نظر مساعد کارفرما را جلب نمایند (کولینان^{۳۲} و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین می‌توان بیان کرد که دولت، برقراری ارتباطات با شرکت‌ها را به عنوان ابزاری جهت کنترل آنها در نظر می‌گیرد (رضایی و رفیعی‌نیا، ۱۳۹۳).

زمانی که دولت در نقش مالک در رابطه نمایندگی قرار می‌گیرد، ممکن است اهداف سیاسی بر هدف حداکثرسازی ثروت ترجیح داده شود (بوباگری^{۳۳} و همکاران، ۲۰۰۸). این عوامل با اعمال محدودیت در مدیران، انتخاب‌های آنان را محدود کرده و باعث کاهش اثر مدیریت بر عملکرد شرکت می‌گردد (هامبریچ و فینکلستین^{۳۴}، ۱۹۸۷). در این دیدگاه، مدیران بیشتر از نقشی مکمل در سازمان، دارای نقش نمادین بوده که با استفاده از مکانیسم‌های در اختیار و اعمال کنترل بر هیئت‌مدیره به دنبال افزایش منافع مالی خود بوده تنها به دنبال اتخاذ سیاست‌هایی هستند که باعث تثبیت خود در شرکت گردند (مشایخی و

حاجی عظیمی، ۱۳۹۷) و با توجه به اینکه مالکیت بخش عمده‌ای از سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سهام ایران در اختیار سهامداران عمده حقوقی دولتی و شبه دولتی (تأمین اجتماعی، سهام عدالت، صندوق‌های بازنشستگی، بیمه‌ها و ...) قرار دارد. به دلیل مزایای که این شرکت‌ها دارند مدیران می‌خواهند ارتباط مستقیم با دولت داشته باشند و پژوهش‌ها نشان داد شرکت‌هایی که ارتباطات سیاسی دارند کیفیت گزارشگری، کیفیت سود و شفافیت اطلاعات کمتری دارند، چون، ممکن است در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی توانایی مدیران تنها در جهت حفظ منافع شخصی یا ارائه اطلاعات به افراد خاص و اهداف از پیش تعیین شده به کار گرفته شده و همچنین ممکن است انگیزه‌های سیاسی مدیران در گزارش‌های مالی منعکس شود و در نهایت به گزارشگری مالی متقلبانه منجر شود.

پیشینه تجربی پژوهش

کامارودین^{۳۵} و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که تقلب صورت‌های مالی با تنوع جنسیتی و تنوع نقش‌ها رابطه مثبت دارد. علاوه بر این، بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی (اندازه هیئت‌مدیره، تعداد جلسه هیئت‌مدیره و نقش دوگانه مدیرعامل) و تقلب در صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد. آن^{۳۶} و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که محدودیت منابع مالی و انسانی با احتمال تقلب مالی شرکت در شرکت‌های کارآفرینی رابطه مثبتی دارند، اما این اثرات را می‌توان با قابلیت نوآوری کاهش داد. وانگ و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند که افزایش توانایی مدیران منجر به کاهش گزارش مالی متقلبانه می‌شود. همچنین شواهد حاکی از این است که ارتباطات سیاسی شرکت‌ها می‌تواند توانایی مدیران را در احتمال تقلب در صورت‌های مالی ضعیف یا محدود کند.

حاجی عبدالله^{۳۷} (۲۰۱۷) بیان کردند، که ارائه خدمات غیر حسابرسی رابطه مثبت و معناداری با تقلب در گزارشگری مالی دارد. همچنین وجود مدیران وابسته در هیئت‌مدیره با تقلب در گزارشگری مالی رابطه منفی و معناداری دارد. حبیب و حسن (۲۰۱۷) دریافتند که مدیران توانمندتر نسبت به سرمایه‌گذاری و همچنین کنترل تأثیرات کیفیت گزارشگری مالی و دیگر مشخصه‌های خاص سرمایه‌گذاری مؤثر هستند. رحمان^{۳۸} و همکاران (۲۰۱۶) با

بررسی مدیریت سود در شرکت‌های متقلب مالزی بیان کردند که مدیران این شرکت‌ها در دوره‌های مشکوک به انجام تقلب، درآمدهای شرکت را به‌منظور کاهش در پرداخت مالیات مدیریت می‌کنند. همچنین نتایج پژوهش آنها حاکی از آن بود که بیشترین انگیزه تقلب مدیران در شرکت‌های متقلب، انگیزه‌های شخصی به‌منظور کسب پاداش است.

کوریا (۲۰۱۴) نشان داد شرکت‌هایی که دارای روابط سیاسی هستند، کمتر از سوی کمیسیون بورس و اوراق بهادار جریمه می‌شوند. این شرکت‌ها به واسطه ارتباط با نمایندگان کنگره و پرداخت وجه به آنها بر کمیسیون بورس اوراق بهادار فشار وارد می‌کنند و بر آنها نفوذ دارند و این موضوع سبب می‌شود که از سوی این کمیسیون کمتر جریمه شوند. **ریجنیلت و کامندر^{۳۹} (۲۰۱۳)**، با پژوهشی تحت عنوان «تأثیر خودشیفتگی مدیران بر تقلب» دریافته‌اند که مدیران خودشیفته، به‌منظور بهبود جایگاه خود در شرکت، اجرای اقدامات جسورانه را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند. نتایج پژوهش آنها نشان داد چنانچه بر تصمیم‌های مدیران نظارتی صورت نگیرد، خودشیفتگی بیش از حد مدیران می‌تواند به اعمال رفتار غیراخلاقی از سوی مدیر منجر شده و منافع شرکت را به خطر بیندازد. **کیان^{۴۰} و همکاران (۲۰۱۰)** دریافته‌اند که شرکت‌های مرتبط با سیاست، برای مخفی کردن یا تأخیر در گزارش دهی در قبال مزایای دریافت شده، تمایل دارند سود خود را مدیریت کنند تا سرمایه‌گذاران گمراه شوند تا هزینه‌هایشان جبران شود. **بوشمن و پیتروسکی (۲۰۰۶)** به این نتیجه رسیدند شرکت‌های دارای روابط سیاسی، به دلیل برخورداری از حمایت‌های دولتی، نیاز به بهبود و ارتقای کیفیت افشا و افزایش شفافیت محیط اطلاعاتی را احساس نمی‌کنند. زیرا به آسانی به اعتبارات مالی دسترسی داشته و از امتیازهای ویژه بهره‌مند می‌گردند.

تامرادی و همکاران (۱۳۹۷) دریافته‌اند که بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله پرداختی به دولت بر رابطه انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری تأثیر منفی دارد. بدین معنی که، شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، مدیریت

به واسطه قدرت و نفوذ خویش مایل به انتخاب حسابرسی هستند که دیدگاه هماهنگ با آنها را داشته باشند. بنابراین، در چنین شرکت‌هایی ممکن است شفافیت اطلاعات حسابداری کاهش پیدا کند و ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به وسیله مالکیت دولتی بر رابطه بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری رابطه مثبت دارد. بدین معنی که، سهامداران عمده وابسته به دولت در چنین شرکت‌هایی تمایل بیشتری به افزایش نظارت خود بر شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی و تقاضای حسابرسی با کیفیت بالاتر دارند، زیرا کیفیت حسابرسی، شفافیت اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد.

محسنی (۱۳۹۷) دریافت که بین ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه حقوق صاحبان شرکت‌ها، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بنابراین با افزایش ارتباطات سیاسی شرکت‌ها، هزینه سرمایه کاهش می‌یابد. **قادری و قادری (۱۳۹۶)** دریافتند اگر عملکرد مدیر طی سال نامطلوب باشد، مدیر برای مخفی کردن عملکرد نامطلوب، احتمالاً به جعل اسناد مالی شرکت و ارائه گزارش مالی حاوی تقلب اقدام خواهد کرد. **نیکبخت و همکاران (۱۳۹۶)** دریافتند که رابطه منفی و معنادار بین قابلیت‌ها مدیران و اطمینان بیش از حد وجود دارد. به عبارت دیگر، هر اندازه که مقامات ارشد سازمان توانمندتر باشند، از میزان اطمینان بیش از حد آنان کاسته خواهد شد؛ همچنین نتایج نشان دهنده رابط معنادار بین قابلیت‌های مدیران و نوع نگرش آنان در انتخاب راهبرد سازمانی بود.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) دریافتند که مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و زمانی که درصد مالکیت دولت و یا ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، کیفیت گزارشگری شرکت‌ها کاهش می‌یابد. **اعتمادی و عبدلی (۱۳۹۶)** با پژوهشی تحت عنوان «کیفیت حسابرسی و تقلب در صورت‌های مالی» دریافتند که رابطه منفی و معناداری بین اندازه حسابرس، دوره تصدی حسابرس، تخصص حسابرس در صنعت، مؤسسه حسابرسی متخصص در صنعت با طول دوره تصدی طولانی و امتیاز وضعیت کنترل و کیفیت حسابرسی با تقلب در صورت‌های

مالی وجود دارد. فرج‌زاده دهکردی و آقای (۱۳۹۴)، با پژوهشی تحت عنوان «رابطه سیاست تقسیم سود و گزارشگری مالی متقلبان» دریافتند، شرکت‌هایی که سود تقسیم می‌کنند با احتمال کمتری مرتکب گزارشگری مالی متقلبان می‌شوند؛ همچنین، سطح سود تقسیمی نیز رابطه‌ای منفی با گزارشگری مالی متقلبان دارد.

منصورفر و همکاران (۱۳۹۶) دریافتند که هزینه‌های سیاسی، اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. ایزدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند که توانایی مدیریت بر ارائه صورت سود و زیان تأثیر منفی دارد. بدین معنی که مدیران تواناتر، ارائه مجدد صورت‌های مالی کمتری خواهند داشت و در نتیجه کیفیت سود بالاتری دارند. رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) دریافتند که در شرکت‌هایی که ساختار مالکیت آنها متمرکز است، کیفیت سود بالاست؛ حال آنکه در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است. همچنین در شرکت‌هایی که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سرمایه سهام عادی پایین است، ولی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سرمایه سهام عادی بالا است. محمودآبادی و نجفی (۱۳۹۲) دریافتند حمایت سیاسی دولت اثر منفی بر شفافیت و محیط اطلاعاتی شرکت‌ها دارد.

با توجه به مطالب بیان‌شده فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شوند:

فرضیه‌های اصلی پژوهش:

فرضیه ۱: بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: ارتباطات سیاسی، رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبان را

تضعیف یا محدود می‌کند.

فرضیه‌های فرعی پژوهش:

فرضیه فرعی ۱: بین توانایی مدیریت و تقلب در گزارشگری مالی رابطه معناداری

وجود دارد.

فرضیه فرعی ۲: بین توانایی مدیریت و احتمال تقلب در صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۳: ارتباطات سیاسی، رابطه بین توانایی مدیریت و تقلب در گزارشگری مالی را تضعیف یا محدود می‌کند.

فرضیه فرعی ۴: ارتباطات سیاسی، رابطه بین توانایی مدیریت و احتمال تقلب در صورت‌های مالی را تضعیف یا محدود می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های نیمه‌تجربی پس‌رویدادی در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری است. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ است بدین صورت که کل شرکت‌های عضو جامعه آماری دارای شرایط و معیارهای زیر هستند، جزء نمونه آماری قرار خواهند گرفت و آن دسته از شرکت‌هایی که واجد این شرایط نباشند، از نمونه حذف خواهند شد. با توجه به بررسی‌های انجام شده ۱۵۸ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۹۰ برای آزمون فرضیه‌ها انتخاب شدند. اطلاعات لازم شرکت‌ها از طریق نرم‌افزار رهاورد نوین و پایگاه رسمی اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار گردآوری شد. داده با استفاده از نرم افزار بی‌تی سالور^{۴۱} و اییوز^{۴۲} تجزیه تحلیل شدند. جدول ۱، نحوه انتخاب شرکت‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. تعیین حجم نمونه

| | |
|-----|--|
| ۵۲۰ | شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تا پایان سال ۹۴ |
| | حذف می‌شود: |
| ۴۴۸ | ۸۲ شرکت‌هایی که سال مالی غیر از ۱۲/۲۹ دارند |
| ۳۶۵ | ۸۳ شرکت‌های واسطه‌گری مالی |
| ۲۸۷ | ۷۸ شرکت‌ها با اطلاعات مالی ناقص |
| ۱۵۸ | ۱۲۹ شرکت‌های غیرفعال در بورس ^{۴۰} |
| ۱۵۸ | تعداد شرکت‌های نمونه |

*شرکت‌هایی که نماد معاملاتی آنها غیرفعال است.

الگوی پژوهش

در پژوهش حاضر، به دلیل استفاده از دو روش اندازه گیری برای متغیر وابسته، گزارشگری مالی متقلبانة نتایج فرضیه ها از طریق دو الگو، که در الگوی (۱) تقلب در گزارشگری مالی و در الگوی (۲) احتمال تقلب در صورت های مالی (الگوی برنامه ریزی ژنتیک) تخمین زده می شود. در این پژوهش با توجه به پژوهش (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷). برای آزمون فرضیه ها از الگوهای رگرسیونی لجستیک زیر استفاده شده است.

$$FRAUD_{financial_t} = B_0 + B_1 MAABILITY_{t-1} + B_2 POLITICAL_{t-1} + B_3 MAABILITY * POLITICAL_{t-1} + B_4 AUDQ_{t-1} + B_5 INEDF_{t-1} + B_6 INSTUT_{t-1} + B_7 CEOSHAR_{t-1} + B_8 LARSHAREC_{t-1} + B_9 AGE_{t-1} + B_{10} LEV_{t-1} + B_{11} MB_{t-1} + B_{12} ROE_{t-1} + B_{13} SIZE_{t-1} + B_{14} \varepsilon_{t-1} \quad (1)$$

$$FFRAUD_{likelihood_t} = B_0 + B_1 MAABILITY_{t-1} + B_2 POLITICAL_{t-1} + B_3 MAABILITY * POLITICAL_{t-1} + B_4 AUDQ_{t-1} + B_5 INEDF_{t-1} + B_6 INSTUT_{t-1} + B_7 CEOSHAR_{t-1} + B_8 LARSHAREC_{t-1} + B_9 AGE_{t-1} + B_{10} LEV_{t-1} + B_{11} MB_{t-1} + B_{12} ROE_{t-1} + B_{13} SIZE_{t-1} + B_{14} \varepsilon_{t-1} \quad (2)$$

اندازه گیری متغیرهای پژوهش

گزارشگری مالی متقلبانة به عنوان متغیر وابسته در این پژوهش است که از دو روش اندازه گیری شده است:

۱. **تقلب در گزارشگری مالی (Fraud Financial):** اگر شرکت در سال جاری تقلب در گزارشگری مالی خود داشته باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر.

برای انتخاب شرکت های متقلب در پژوهش های مختلف شاخص های متفاوتی در نظر گرفته شده است. در این پژوهش علاوه بر شرکت های که تأخیر در افشای اطلاعات با اهمیت دارند (دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت های ثبت شده نزد سازمان، بند ۱۳)، (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷)؛ شرکت هایی که حسابرسی آنها مردود، عدم اظهار نظر و یا مشروط بوده اند و یکی از مصادیق تقلب ذیل عنوان علت نوع اظهار نظرشان ذکر گردیدند، با احراز یکی از مصادیق، به عنوان شرکت های متقلب شناسایی می شوند؛ که مصادیق بر مبنای پژوهش (اعتمادی و عبدلی، ۱۳۹۶) انتخاب شده اند عبارت اند از: ۱. شناسایی نادرست

درآمدها و اندازه گیری درآمدهای تحقق یافته؛ ۲. بیش نمایی در دارایی‌ها و موجودی‌های پایان دوره؛ ۳. شناسایی نادرست هزینه‌ها و عدم اندازه گیری هزینه‌ها تحقق یافته؛ ۴. کم‌نمایی در بدهی‌ها و استفاده نادرست و متقلبانه از حساب‌های ذخیره؛ ۵. عدم تهیه صورت‌های مالی با فرض توقف فعالیت شرکت‌هایی که فرض تداوم فعالیت آنها به شکل اساسی زیر سؤال رفته و در گزارش‌های حسابرسی باز یافت یافته است.

۲. **احتمال تقلب در صورت‌های مالی (Fraud Likelihood):** نسبت‌های مالی استفاده شده برای سنجش احتمال تقلب صورت‌های مالی بر اساس پژوهش انجام شده توسط **زارع و ملکیان (۱۳۹۵)**، **داداشی و همکاران (۱۳۹۷)** انتخاب گردید که شامل نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها، نسبت حساب‌های دریافتی به درآمد خدمات و فروش، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام، نسبت سود ناخالص به دارایی‌ها، نسبت وجه نقد به بدهی‌های جاری، نسبت موجودی کالا به دارایی‌های جاری و قدر مطلق تغییرات در نسبت جاری است. پس از محاسبه در نرم‌افزار اکسل مرتب و بر اساس الگوی برنامه‌ریزی ژنتیک تقلب به شرح زیر محاسبه گردید رابطه به دست آمده بین تابع تقلب و متغیرهای ورودی به صورت الگوی زیر است:

$$FRAUDlikelihoodt = (WC/TA - TD/TE)^2 - (8 \cdot 0378 * TD/TE * \Delta cur) - \Delta cur^5 - TD/TE + (GI/TA + \exp(\Delta cur))^8 / (((GI/TA + CASH/CL)^8 * (REC/S - 4 \cdot 5021)^8)) + (WC/TA)^3 * \cos(\Delta cur)^3 * (2 * REC/S + INV/CA - 9 \cdot 0575)^3 * (2 * WC/TA) + (REC/S + \Delta cur)^3 - 9 \cdot 0210 \quad (3)$$

که در آن؛ WC/TA: سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها، REC/S: حساب‌های دریافتی به فروش، TD/TA: بدهی به حقوق صاحبان سهام، GI/TA: سود ناخالص به کل دارایی‌ها، CASH/CL: وجه نقد به بدهی جاری، INV/CA: موجودی به دارایی جاری، Δcur : قدر مطلق تغییرات در نسبت جاری است.

ابتدا عدد تقلب از الگوی بالا محاسبه شده است اگر $F < 0/50$ باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر اختصاص داده می‌شود.

توانایی مدیریت

در پژوهش حاضر، برای اندازه‌گیری توانایی مدیریت از الگوی **دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)** استفاده شده است. در این الگو، با استفاده از اندازه‌گیری کارایی شرکت و سپس وارد کردن آن در رگرسیون خطی چند متغیره به‌عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه می‌شود. به‌منظور اندازه‌گیری کارایی شرکت، **دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)** از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها استفاده کرده‌اند. برای محاسبه این متغیر ابتدا با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها کارایی مدیران شرکت سنجیده می‌شود. در یک شرکت تعدادی نهاده (X) برای تولید تعدادی ستانده (Y) به کار می‌روند که ستانده‌ها (خروجی‌ها) می‌بایستی در راستای اهداف و خط‌مشی شرکت باشند. در شرکت اگر میزان استفاده مطلوب از نهاده‌ها (ورودی‌ها) در جهت تولید خروجی‌ها سنجیده شود میزان کارایی (خوب کار کردن) به دست می‌آید. از ترکیب کارایی و اثربخشی، بهره‌وری حاصل خواهد شد در حقیقت بهره‌وری تابعی از کارایی و از اثربخشی است. در این پژوهش درآمد حاصل از فروش به‌عنوان خروجی و ۴ متغیر دیگر؛ یعنی بهای کالای فروش رفته؛ هزینه‌های عمومی، اداری و فروش؛ مانده خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات؛ و دارایی‌های نامشهود را به‌عنوان ورودی در نظر گرفته شده است. الگوی اندازه‌گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و (DEA) تحلیل پوششی داده‌ها، نوعی الگوی آماری است که برای خروجی، کاربرد دارد.

$$\text{Max}_v \theta = \text{Sales}_t / (v_1 \text{CoGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{NetPPE} + v_4 \text{Intan}) \quad (4)$$

که در آن؛ Max، کارایی منابع شرکت در سال t؛ Sales، فروش شرکت در سال t؛ CoGS، بهای کالای فروش رفته در سال t؛ SG&A، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش در سال t؛ NetPPE، مانده خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال t؛ و Intan، دارایی نامشهود در سال t است.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) به‌منظور کنترل اثر ویژگی‌های ذاتی شرکت در الگوی خود کارایی شرکت را به دو بخش جدا، یعنی کارایی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و

توانایی مدیریت، تقسیم کرده‌اند. آنها این کار را با استفاده از کنترل ۵ ویژگی ذاتی شرکت (اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی (صادرات) انجام داده‌اند. هر کدام از این ۵ متغیر به عنوان ویژگی‌های ذاتی شرکت، می‌توانند به مدیریت کمک کنند تا تصمیمات بهتری اتخاذ نمایند یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود کنند. در الگوی زیر این ۵ ویژگی کنترل شده‌اند.

$$\begin{aligned}
 Efficiency = & a_0 + a_1 Size + a_2 Market Share \\
 & + a_3 Free Cash Flow Indicator \\
 & + a_4 Foreign Currency Indicator + \varepsilon
 \end{aligned}
 \tag{5}$$

که در آن؛

Size: اندازه شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت.
 Market share: سهم بازار شرکت و برابر با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت.
 Free Cash Flow: شاخص جریان نقد آزاد است؛ اگر شرکتی جریان نقد آزاد مثبت داشته باشد، عدد یک، در غیر این صورت عدد صفر داده می‌شود.
 Foreign Currency Indicator، متغیر دامی است برای شرکت‌های که صادرات (فروش با ارز خارجی) داشته‌اند برابر ۱ در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است.
 (ε) باقی مانده الگو نیز نشان‌دهنده میزان توانایی مدیریت است. الگوی بالا نیز مانند تحلیل پوششی داده‌ها باید در سطح صنعت ارزیابی شود به همین دلیل در آن متغیرهای مربوط به سطح کل بازار در الگو اثر داده نشده‌اند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲).

ارتباطات سیاسی

برای محاسبه ارتباطات سیاسی دو روش را در نظر گرفته‌ایم که عبارتند از: روش اول: اگر درصد سهام توسط دولت و یا نهادهای وابسته به دولت بیش از ۲۰ درصد باشد شرکت دارای ارتباط سیاسی است (راهنمای رودپشتی و محسنی، ۱۳۹۷). روش دوم: اگر حداقل یکی از اعضای هیئت‌مدیره شرکت نماینده شرکت‌های دولتی یا نهادهای وابسته به دولت

باشد (فانگ^{۴۳}، ۲۰۱۵). در این پژوهش شرکتی دارای ارتباطات سیاسی است که هر دو معیار را داشته باشد، اگر شرکت دارای ارتباطات سیاسی باشد عدد یک و در غیر این صفر است.

متغیرهای کنترلی

تعریف و نحوه اندازه گیری تمام متغیرهای کنترلی تحقیق در جدول ۲ به صورت دقیق ارائه شده است:

جدول ۲. تعریف و اندازه گیری متغیرهای پژوهش

| نام متغیر | نماد انگلیسی | تعریف عملیاتی |
|-------------------------------|--------------|---|
| اندازه موسسه حسابرسی | AUDQ | اگر شرکت توسط مؤسسات دارای رتبه الف جامعه حسابداران رسمی حسابرسی شود عدد یک در غیر این صورت صفر (اعتمادی و عدلی، ۱۳۹۶). |
| استقلال هیئت مدیره | BORDSIZE | از طریق نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره اندازه گیری می شود |
| سرمایه گذاران نهادی | INEDF | مطابق با تعریف بوش (۱۹۹۸)، سرمایه گذاران نهادی، سرمایه گذاران بزرگ نظیر بانکها، شرکت های بیمه، شرکت های سرمایه گذاری و صندوق های بازنشستگی هستند. |
| درصد سهام در دست مدیر عامل | CEOSHAR | برابر است با درصد سهام در دست مدیر عامل. |
| درصد بزرگ ترین سهامدار شرکت | LARSHAREC | این متغیر برابر است با بزرگ ترین سهامدار که بیشترین درصد سهام در اختیار دارد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷). |
| عمر پذیرش شرکت در بورس | AGE | به منظور اندازه گیری عمر شرکت از مدت سال های حضور شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. |
| اهرم مالی | LEV | نسبت مجموع بدهی های کوتاه مدت و بلندمدت به کل دارایی ها. |
| نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری | MB | از تقسیم ارزش بازار بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به دست می آید ارزش بازار نیز از حاصل ضرب سهام در جریان شرکت در قیمت سهام پایان سال محاسبه شده است. |
| بازده حقوق صاحبان سهام | ROE | از تقسیم سود پس از کسر مالیات بر جمع حقوق صاحبان سهام |
| اندازه شرکت | SIZE | برابر است با لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت |

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول ۳ آمار توصیفی متغیرهای آزمون شده را که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است، نشان می‌دهد. در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به طور متوسط ۰/۴۹ تقلب در گزارشگری مالی متقلبان و ۰/۵۷ احتمال تقلب در صورت‌های مالی وجود دارد که با توجه به اینکه ۰/۶۲ از شرکت‌ها دارای روابط سیاسی هستند و همچنین، میانگین توانایی مدیران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران منفی است پس می‌توان استدلال نمود اکثر شرکت‌هایی که مرتکب گزارشگری مالی متقلبان می‌شوند، دارای روابط سیاسی هستند. زیرا، توانایی مدیر نقش کمتری در مدیریت کسب و کار و کاهش احتمال تقلب در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی دارد تا شرکت‌های بدون ارتباطات سیاسی و از طرفی، مدیران دارای روابط سیاسی از پشتوانه سیاسی برخوردارند، نگرانی کیفیت پایین اطلاعات حسابداری آنها کمتر است؛ زیرا فشار بازار سرمایه بر این شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های بدون ارتباطات سیاسی، پایین تر است، بنابراین بیشتر مرتکب تقلب می‌شوند.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیرها | میانگین | میانه | حداکثر | حداقل | انحراف معیار |
|--------------------------------|---------|--------|--------|--------|--------------|
| تقلب در گزارشگری مالی | ۰/۴۸۲ | ۰/۰۰۰ | ۱/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۹۹ |
| احتمال تقلب در صورت‌های مالی | ۰/۵۷۷ | ۱/۰۰۰ | ۱/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۹۴ |
| توانایی مدیریت | -۰/۰۰۰۲ | ۰/۰۰۱۶ | ۰/۵۶۱ | -۰/۴۵۰ | ۰/۱۰۱ |
| ارتباطات سیاسی | ۰/۶۲۵ | ۱/۰۰۰ | ۱/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۸۴ |
| توانایی مدیریت* ارتباطات سیاسی | -۰/۰۰۰۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۰۳ | -۰/۳۸۷ | ۰/۰۷۸ |
| اندازه موسسه حسابرسی | ۰/۷۶۶ | ۱/۰۰۰ | ۱/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۲۶ |
| استقلال هیئت مدیره | ۰/۶۵۷ | ۰/۶۰۰ | ۱/۰۰۰ | ۰/۲۰۰ | ۰/۱۷۴ |
| درصد سهام در دست مدیرعامل | ۰/۴۶۵ | ۰/۰۰۰ | ۲۳/۵۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۲/۴۰۲ |
| سهامداران نهادی | ۰/۴۰۳ | ۰/۳۳۱ | ۰/۹۹۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۳۹ |
| درصد بزرگترین سهامدار شرکت | ۰/۴۹۵ | ۰/۵۱۰ | ۰/۹۹۴ | ۰/۰۵۰ | ۰/۲۱۳ |
| عمر پذیرش شرکت در بورس | ۲/۶۲۳ | ۲/۷۰۸ | ۳/۸۹۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۴۴ |

| متغیرها | میانگین | میانه | حداکثر | حداقل | انحراف معیار |
|--------------------------------------|---------|--------|--------|---------|--------------|
| اهرم مالی | ۰/۶۱۲ | ۰/۶۱۹ | ۲/۰۷۷ | ۰/۰۱۲ | ۰/۲۱۶ |
| ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام | ۲/۴۴۳ | ۲/۱۰۲ | ۱۶/۸۲۹ | -۱۴/۷۲۶ | ۲/۲۴۰ |
| بازده حقوق صاحبان سهام | ۰/۲۵۴ | ۰/۲۵۳ | ۵/۱۴۶ | -۵/۳۸۷ | ۰/۴۶۱ |
| اندازه شرکت | ۱۳/۸۱۷ | ۱۳/۶۷۵ | ۱۸/۸۶۲ | ۹/۹۴۴ | ۱/۶۲۹ |

آمار استنباطی

با توجه به اینکه در این پژوهش متغیر وابسته، پیوسته نیست و فقط یکی از دو ارزش صفر و یک را اختیار می‌کند، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگو رگرسیون لجستیک چندمتغیره استفاده شده است. مهم‌ترین ویژگی الگو رگرسیون لجستیک این است که نیازی به برقراری فرض‌های نرمال بودن و همسانی ماتریس‌های کوواریانس ندارد. نرمال بودن و همسانی ماتریس‌های کوواریانس ندارد. برای بررسی اعتبار و قدرت نیکویی برازش در الگوهای رگرسیونی با متغیر وابسته دو جمله‌ای، برای بررسی اعتبار و قدرت نیکویی برازش الگو از رایج‌ترین تکنیک‌ها (آزمون نسبت راست‌نمایی، آزمون هاسمر-لمشو، ضریب تعیین مک-فادن، درصد صحت پیش‌بینی) استفاده شده است. جهت اطمینان از اینکه ارتباط خطی میان متغیرها، بر نتایج پژوهش اثرات نامطلوبی خواهد داشت یا خیر، عامل تورم واریانس محاسبه شده است که نتایج آن در جداول ۴ و ۵ مشاهده می‌شود.

جدول ۴ نشان می‌دهد سطح معناداری برای توانایی مدیریت به‌عنوان متغیر مستقل این پژوهش ۰/۰۰ حاصل گردیده که مقدار آن از سطح ۵ درصد کمتر است، از طرفی با توجه به منفی بودن ضریب این متغیر (۲/۷۸۱) پس می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین توانایی مدیریت و تقلب در گزارشگری مالی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. مطابق با این شواهد فرضیه اول پژوهش، تأیید می‌شود و می‌توان ادعا نمود که توانایی مدیریت بالا نقش بسزائی در کاهش تقلب در گزارشگری مالی دارد. در ارتباط با متغیر ارتباطات سیاسی به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر و رابطه آن با تقلب در گزارشگری مالی، سطح معناداری ۰/۰۰ را شاهد هستیم و با توجه به منفی بودن ضریب این متغیر (-۰/۶۳۴) پس می‌توان نتیجه گرفت که بین ارتباطات سیاسی و تقلب در گزارشگری مالی یک رابطه منفی

و معنادار وجود دارد؛ اما سطح معناداری ارتباطات سیاسی* توانایی مدیریت برابر ۰/۰۱ حاصل گردیده است، از طرفی با توجه به مثبت بودن ضریب این متغیر (۳/۱۵۴)، پس در سطح اطمینان ۹۹ می‌توان نتیجه گرفت که ارتباطات سیاسی رابطه بین توانایی مدیریت و تقلب در گزارشگری مالی را تضعیف یا محدود می‌کند. به عبارت دیگر، کاهش کیفیت اطلاعات و افزایش موارد تقلب در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به دلیل بی‌توجهی به مدیران شرکت‌ها و توانایی‌های آنهاست (چانی و همکاران، ۲۰۱۱) و اعمال محدودیت در مدیران سیاسی، انتخاب‌های آنان را محدود کرده و باعث کاهش اثر مدیریت بر عملکرد شرکت می‌گردد (هامبریچ و فینکلستین، ۱۹۸۷). در نتیجه این دسته از مدیران تمایل دارند برای ارتقای موقعیت سیاسی خود به هر نحوی شده نظر مساعد کارفرما را جلب نمایند (کولینان و همکاران، ۲۰۱۲). در این دیدگاه، مدیران به جای اینکه نقشی مکمل در سازمان داشته باشند، دارای نقش نمادین هستند. لذا، در شرکت‌های سیاسی ممکن است انگیزه‌های سیاسی مدیران در گزارش‌های مالی منعکس شود و در نهایت به گزارشگری مالی متقلبانه منجر شود. با توجه به آماره LR به دست آمده در نتایج تخمین و همچنین در سطح معناداری (۰/۰۰۱) با ضریب اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود که الگوهای پژوهش معنادار بوده و از اعتبار کافی برخوردار است. احتمال معناداری آماره هاسمر-لمشو با درجه آزادی ۸ و آماره اندروز با درجه آزادی ۱۰ به ترتیب ۲۵٪ و ۳۴٪ است. از آنجا این مقادیر بزرگتر از ۵٪ است، بنابراین فرضیه صفر در آزمون هاسمر-لمشو پذیرفته می‌شود که نشان‌دهنده نیکویی برازش الگو است. ضریب تعیین مک فادن تقریباً ۷٪ است که این نتیجه نشان می‌دهد که ۷٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی الگو توضیح داده می‌شود. در الگو (۱) درصد صحت پیش‌بینی کل الگو، درصد صحت پیش‌بینی الگو در حالتی که متغیر وابسته برابر صفر و یک به ترتیب در سطح ۶۱/۴۶، ۶۸/۹۲ و ۵۳/۴۴ درصد است. از آنجایی که این مقدار بیشتر از ۵۰ درصد است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قدرت نیکویی برازش الگو بالا است.

| جدول ۴. نتایج برآورد الگو (۱) برای آزمون فرضیه‌ها با استفاده از الگو تقلب در گزارشگری مالی | | | | |
|--|--------|------------|--------------|--------|
| متغیرها | ضرایب | آماره والد | سطح معناداری | هم خطی |
| عرض از مبدأ (0) | -۲/۳۵۳ | -۲/۷۲۳ | ۰/۰۰ | - |
| توانایی مدیریت | -۲/۷۸۱ | -۲/۶۰۳ | ۰/۰۰ | ۲/۵۱۴ |
| ارتباطات سیاسی | -۰/۶۳۴ | -۴/۱۱۲ | ۰/۰۰ | ۱/۳۷۶ |
| ارتباطات سیاسی* توانایی مدیریت | ۳/۱۵۴ | ۲/۳۳۷ | ۰/۰۱ | ۲/۵۰۲ |
| اندازه موسسه حسابرسی | ۰/۳۴۸ | ۳/۷۸۹ | ۰/۰۲ | ۱/۱۱۸ |
| استقلال هیئت مدیره | ۰/۹۱۵ | ۲/۳۴۸ | ۰/۰۱ | ۱/۰۶۵ |
| درصد سهام در دست مدیرعامل | ۰/۰۴۱ | ۱/۳۴۱ | ۰/۱۸ | ۱/۱۷۵ |
| سهامداران نهادی | ۰/۱۵۷ | ۰/۷۱۲ | ۰/۴۷ | ۱/۳۵۲ |
| درصد بزرگترین سهامدار شرکت | -۰/۷۲۷ | -۲/۱۹۸ | ۰/۰۲ | ۱/۱۷۹ |
| عمر پذیرش شرکت در بورس | -۰/۰۳۲ | -۰/۲۶۵ | ۰/۷۹ | ۱/۰۷۶ |
| اهرم مالی | ۱/۹۷۷ | ۵/۴۸۸ | ۰/۰۰ | ۱/۱۸۳ |
| ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام | -۰/۰۹۱ | -۲/۸۳۶ | ۰/۰۰ | ۱/۰۷۸ |
| بازده حقوق صاحبان سهام | -۰/۵۳۲ | -۳/۰۸۸ | ۰/۰۰ | ۱/۰۹۵ |
| اندازه شرکت | ۰/۰۹۳ | ۱/۹۱۶ | ۰/۰۵ | ۱/۴۴۰ |
| R^2 مک فادن | | | | |
| آماره نسبت درستیابی | | | | |
| ۱۰۹/۱۵۳۴ | | | | |
| سطح معناداری الگو | | | | |
| ۰/۰۰۰ | | | | |
| آماره هاسمر-لمشو (معناداری با درجه آزادی ۸) | | | | |
| ۱۰/۱۳۸۲ (۰/۲۵۵۵) | | | | |
| آماره اندروز (معناداری با درجه آزادی ۱۰) | | | | |
| ۱۱/۲۰۰۱ (۰/۳۴۲۱) | | | | |
| آزمون صحت پیش‌بینی کل الگو | | | | |
| ۶۱/۴۶ | | | | |
| درصد صحت پیش‌بینی الگو در حالتی که متغیر وابسته برابر صفر است | | | | |
| ۶۸/۹۲ | | | | |
| درصد صحت پیش‌بینی الگو در حالتی که متغیر وابسته برابر یک است | | | | |
| ۵۳/۴۴ | | | | |

جدول ۵ نشان می‌دهد سطح معناداری برای توانایی مدیریت به‌عنوان متغیر مستقل این پژوهش ۰/۰۱ حاصل شده که مقدار آن از سطح ۵ درصد کمتر است، از طرفی با توجه به منفی بودن ضریب این متغیر (۲/۵۵۶-) می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹ بین توانایی مدیریت و احتمال تقلب در صورت‌های مالی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش، تأیید می‌شود. مدیران با توانایی مدیریت بالا با فراهم نمودن

گزارش‌های سودمند و انتشار آنها در بازار سرمایه می‌توانند بر تصمیم‌گیری مشارکت-کنندگان در بازار سرمایه تأثیر گذارند و زمینه را برای اتخاذ تصمیمات صحیح اقتصادی فراهم نمایند (صفدری و همکاران، ۱۳۹۶). در ارتباط با متغیر ارتباطات سیاسی به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر و رابطه آن احتمال تقلب در صورت‌های مالی، سطح معناداری ۰/۰۰ را شاهدیم که این موضوع وجود رابطه معناداری بین این متغیر و احتمال تقلب در صورت‌های مالی را نشان می‌دهد. از طرفی با توجه به منفی بودن ضریب این متغیر (۰/۶۸۸-) می‌توان نتیجه گرفت که بین ارتباطات سیاسی و احتمال تقلب در صورت‌های مالی یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد؛ اما سطح معناداری ارتباطات سیاسی* توانایی مدیریت برابر ۰/۰۳ حاصل گردیده که مقدار آن در سطح ۵ درصد است، از طرفی با توجه به مثبت بودن ضریب این متغیر (۲/۸۴۵)، پس در سطح اطمینان ۹۵ می‌توان نتیجه گرفت که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین توانایی مدیریت و احتمال تقلب در صورت‌های اثر گذار است. به‌عبارت‌دیگر، با افزایش ارتباطات سیاسی در شرکت، توانایی مدیران در کاهش احتمال تقلب در صورت‌های کاهش می‌یابد؛ زیرا، فشارهای سیاسی یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی است. با توجه به آماره LR به‌دست‌آمده در نتایج تخمین و همچنین در سطح معناداری (۰/۰۰۰) با ضریب اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود که الگوهای پژوهش معنادار بوده و از اعتبار کافی برخوردار است. احتمال معناداری آماره هاسمر-لمشو با درجه آزادی ۸ و آماره اندروز با درجه آزادی ۱۰ به ترتیب ۲۲٪ و ۱۰٪ است. از انجا این مقادیر بزرگتر از ۵٪ است، بنابراین فرضیه صفر در آزمون هاسمر-لمشو پذیرفته می‌شود که نشان‌دهنده نیکویی برارزش الگو است. ضریب تعیین مک فادن تقریباً ۹٪ است که این نتیجه نشان می‌دهد ۹٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترل‌ی الگو توضیح داده می‌شود. درصد صحت پیش‌بینی کل الگو، درصد صحت پیش‌بینی الگو در حالتی که متغیر وابسته برابر صفر و یک به ترتیب در سطح ۶۷/۲۳، ۴۸/۸۸ و ۸۰/۶۶ درصد است. از آنجایی که این مقدار بیشتر از ۵۰ درصد است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قدرت نیکویی برارزش الگو بالا است.

جدول ۵. نتایج برآورد الگو (۲) برای آزمون فرضیه‌ها با استفاده از الگو احتمال تقلب در صورت‌های مالی

| متغیرها | ضرایب | آماره والد | سطح معناداری | هم خطی |
|---|--------|------------|------------------|--------|
| عرض از مبدأ (α_0) | -۳/۷۴۵ | -۳/۲۲۷ | ۰/۰۰ | - |
| توانایی مدیریت | -۲/۵۵۶ | -۲/۳۳۷ | ۰/۰۱ | ۲/۵۱۴ |
| ارتباطات سیاسی | -۰/۶۸۸ | -۴/۲۴۵ | ۰/۰۰ | ۱/۳۷۶ |
| ارتباطات سیاسی*توانایی مدیریت | ۲/۸۴۵ | ۱/۹۳۴ | ۰/۰۳ | ۲/۵۰۲ |
| اندازه موسسه حسابرسی | -۰/۲۴۶ | -۱/۵۱۷ | ۰/۱۲ | ۱/۱۱۸ |
| استقلال هیئت مدیره | -۰/۲۰۷ | -۰/۵۱۱ | ۰/۶۰ | ۱/۰۶۵ |
| درصد سهام در دست مدیرعامل | -۰/۰۰۱ | -۰/۰۱۸ | ۰/۹۸ | ۱/۱۷۵ |
| سهامداران نهادی | -۰/۱۷۲ | -۰/۷۶۴ | ۰/۴۴ | ۱/۳۵۲ |
| درصد بزرگترین سهامدار شرکت | ۰/۶۸۲ | ۱/۹۳۱ | ۰/۰۴ | ۱/۱۷۹ |
| عمر پذیرش شرکت در بورس | ۰/۲۲۸ | ۱/۸۰۶ | ۰/۰۷ | ۱/۰۷۶ |
| اهرم مالی | ۲/۶۵۹ | ۶/۹۹۳ | ۰/۰۰ | ۱/۱۸۳ |
| ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام | -۰/۰۷۸ | -۲/۳۱۸ | ۰/۰۱ | ۱/۰۷۸ |
| بازده حقوق صاحبان سهام | -۱/۲۰۱ | -۵/۲۹۴ | ۰/۰۰ | ۱/۰۹۵ |
| اندازه شرکت | ۰/۱۹۴ | ۳/۸۷۵ | ۰/۰۰ | ۱/۴۴۰ |
| R^2 مک فادن | | | ۰/۰۹ | |
| آماره نسبت درست‌نمایی | | | ۱۴۲/۰۹۱۸ | |
| سطح معناداری الگو | | | ۰/۰۰۰ | |
| آماره هاسمر-لمشو (معناداری با درجه آزادی ۸) | | | ۱۰/۶۷۲۳ (۰/۲۲۱۰) | |
| آماره اندروز (معناداری با درجه آزادی ۱۰) | | | ۱۵/۶۸۶۲ (۰/۱۰۹۰) | |
| آزمون صحت پیش‌بینی کل الگو | | | ۶۷/۲۳ | |
| درصد صحت پیش‌بینی الگو در حالتی که متغیر وابسته برابر صفر است | | | ۴۸/۸۸ | |
| درصد صحت پیش‌بینی الگو در حالتی که متغیر وابسته برابر یک است | | | ۸۰/۶۶ | |

نتیجه‌گیری و پیشنهادات پژوهش

علی‌رغم ضعف‌های قانونی و ساختاری، گزارشگری مالی متقلبانانه ناشی از توانایی مدیریت ضعیف و ارتباطات سیاسی نادرست می‌تواند باعث اتخاذ تصمیمات اقتصادی غیربهبینه در سطح سازمان‌ها و کشور شود. هدف اصلی این مقاله بررسی رابطه بین توانایی مدیریتی و ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانانه در شرکت‌های پذیرفته شده در

بورس اوراق بهادار تهران برای دوره مالی ۱۳۹۶-۱۳۹۰، مشخص گردید حتی در اقتصاد رابطه محور ایران توانایی مدیریتی بالا می تواند احتمال وقوع گزارشگری مالی متقلبانه را به شدت کاهش دهد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد اثرات توانایی مدیریتی بر کاهش احتمال وقوع گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های بدون ارتباطات سیاسی به مراتب بیشتر از شرکت های دارای ارتباطات سیاسی است. با توجه به اینکه مدیران با توانایی بالا با به کارگیری حقایق، مفاهیم، اصول و روش ها در حوزه ها و زمینه های خاص؛ استانداردهای پیچیده را درک می کنند و با توجه به شرایط کلان اقتصادی رویه ها و برآوردهای حسابداری طبق استانداردهای حسابداری انتخاب و اجرا می کند و از طرفی ابهامات حاکم بر محیط اقتصادی و عدم امکان پیش بینی قطعی آینده ایجاب می کند که در تهیه اطلاعات و گزارش های مالی احتیاط شود؛ زیرا حسابداری و گزارشگری مالی با محیط اقتصادی تحت تأثیر قرار می گیرد و ویژگی های خاص مدیریتی چون، هوش، شهرت و سبک مدیریتی بر نتایج اقتصادی اثر گذاشته و این ویژگی ها در مباحث کیفیت و شفافیت اطلاعات دارای اهمیت ویژه ای است. بنابراین، مدیران با فراهم نمودن گزارش های مالی سودمند و با کیفیت و عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه با اهمیت در بهبود گزارش های مالی و کاهش تقلب در گزارشگری مالی مؤثر است. این پژوهش با پژوهش (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷). مطابقت دارد، نتایج آنها نشان داد که افزایش توانایی مدیران منجر به کاهش گزارش مالی متقلبانه می شود و علاوه بر اینکه توانایی مدیران، بر عملکرد عملیاتی شرکت در آینده تأثیر می گذارد، بلکه احتمال تقلب و هزینه مجازات توسط نهادهای نظارتی، حتی در یک اقتصاد مبتنی بر رابطه کاهش می دهد. همچنین مدیران توانمند کمتر دچار اقدامات تنبیهی سازمان های نظارتی می شوند. همچنین، نتایج این فرضیه مطابق با پژوهش کارشناسان و ممثلی (۱۳۹۷) است، آنها نشان دادند که توانایی مدیریت اثر منفی و معناداری بر احتمال تقلب دارد و مدیران با توانایی بالا، برای جبران وضعیت های سخت مالی به سمت گزارشگری خدعه آمیز روی نیاورده اند.

فرضیه دوم پژوهش به این صورت مطرح گردید که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه اثرگذار است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که به‌طور کلی ارتباطات سیاسی می‌تواند رابطه منفی بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه که در فرضیه قبل تأیید گردید، را کاهش دهد. به عبارت دیگر، رابطه منفی به مثبت تبدیل شده است بدین معنی در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی با افزایش توانایی‌های مدیریت، گزارشگری مالی متقلبانه نیز افزایش می‌یابد.

مؤثرترین سازوکارهای اطلاع‌رسانی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس ساختار مالکیت آنهاست و این ساختار روی توانایی و اختیارات مدیران در موقع گزارشگری تأثیر بسزایی دارد؛ بنابراین، چون اکثر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار دارای ارتباطات سیاسی هستند و به دلیل مزایای که این شرکت‌ها دارند مدیران می‌خواهند ارتباط مستقیم با دولت داشته باشند. در مجموع ارتباطات سیاسی از طریق دولت، چه بواسطه حضور افراد سیاسی در بدنه شرکت‌ها، و یا از طریق مالکیت دولت و نهادهای دولتی به‌عنوان سهامدار در این شرکت‌ها، می‌تواند توانایی مدیران را در کاهش گزارشگری مالی متقلبانه تضعیف یا محدود کند و همچنین، کشور ما هم رانت اطلاعاتی وجود دارد تا جایی که بازار سرمایه را تحت تأثیر قرار داده است برای کاهش توان رقابتی رقبا و یا اجتناب از تحریم‌های اجتماعی، شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی تلاش می‌کنند از طریق ارائه اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین، عدم شفافیت اطلاعات و تأخیر در افشای اطلاعات سودهای کلان را تحصیل کنند. و همچنین، در ایران اقدامات تنبیهی ضعیف بوده و جرائم مرتبط با صورت‌های مالی متقلبانه در حدی نیست که بتواند انگیزه لازم در مدیران برای گزارشگری مالی باکیفیت را فراهم نماید. بنابراین، شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به ارائه گزارشگری مالی متقلبانه تشویق می‌شوند.

این پژوهش با پژوهش (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷)، همخوانی دارد، نتایج آنها نشان داد که ارتباطات سیاسی رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه را محدود یا

تضعیف می‌کند. یا به عبارت دیگر، نقش مدیران توانا در کاهش گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های با ارتباطات نسبتاً کم اهمیت است. آنها بیان کردند، انگیزه شرکت‌ها برای ارائه گزارش‌های مالی با کیفیت بالا با افزایش ارتباطات سیاسی کاهش می‌یابد و به نوبه خود احتمال وقوع تقلب در گزارش‌های مالی با افزایش روابط سیاسی افزایش می‌یابد. به همین ترتیب، دلیل این امر این است که توانایی مدیر نقش کمتری در مدیریت کسب و کار و کاهش احتمال تقلب به‌ویژه برای شرکت‌های سیاسی دارد تا شرکت‌های غیرسیاسی. همچنین، مدیران دارای ارتباطات سیاسی قادرند ریسک وقوع مجازات‌های حاکمیتی همچون جریمه‌ها و تنبیه‌های احتمالی اداری را به حداقل ممکن برسانند. بنابراین، زمانی که مجازات‌های سازمان‌های نظارتی برای شرکت‌های متقلب نسبتاً کم تعیین می‌شود، مجازات‌هایی که توسط سازمان‌های نظارتی اجرا می‌شود، برای افزایش انگیزه شرکت‌ها برای جلوگیری از تقلب مالی گزارش نمی‌شود. این می‌تواند انگیزه مدیران را برای جلوگیری از تقلب کاهش دهد. بنابراین، شرکت‌های مرتبط با سیاست به احتمال بیشتری درگیر گزارشگری مالی متقلبانه شوند.

با توجه به نتایج فرضیه اول پژوهش پیشنهاد می‌شود به واسطه نقش اساسی شرکت‌ها در اقتصاد کشور باید انتخاب مدیران و کارکنان با دقت لازم و کافی صورت گیرد. صلاحیت، دانش و مهارت مدیران قبل از استخدام باید بررسی و ساز و کار لازم برای ارزیابی آنان فراهم شود. و همچنین، سازمان‌های نظارتی برای نظارت بر گزارش‌های مالی مدیران با محدودیت منابع از جمله محدودیت زمانی، مالی و نیروی انسانی متخصص و کارآمد مواجه است. بنابراین، با توجه به شرایط موجود در ایران معیارهای برای تشخیص کیفیت و توانایی مدیران شناسایی شود که با توجه به سطح کیفیت و رتبه‌بندی آنها نظارت صورت بگیرد و این کار هزینه‌های نظارتی را کاهش می‌دهد.

براساس فرضیه دوم پژوهش پیشنهاد می‌شود تا مقررات و الزامات بیشتری را در خصوص انتشار به موقع صورت‌های مالی، تأخیر در افشای اطلاعات بااهمیت و تهیه

اطلاعاتی برای خنثی‌سازی (پوشاندن) فعالیت‌های برگرفته از روابط سیاسی برای شرکت‌های سیاسی تدوین نماید و بر شرکت‌های سیاسی نظارت و کنترل بیشتری داشته باشد. از طرفی، در ایران انتصاب مدیران شرکت‌ها بر اساس روابط است بنابراین پیشنهاد می‌شود سهام شرکت‌های دولتی با قوانین و دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه‌تری به بخش خصوصی و در جریان خصوصی‌سازی به مقررات حاکم بر کنترل بنگاه‌ها و مقررات ناظر بر حفظ منابع عمومی باید توجه شود. یا برای جلوگیری و مهار کردن تقلب در گزارشگری در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی، بهترین راه آزادی بیان و اطلاع‌رسانی شفاف است، باید به رسانه‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی - اجتماعی برای نظارت بر کارکرد مسئولان و کارمندان و اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی اجازه فعالیت داد، چون آزادی بیان هزینه‌های نظارتی را کاهش می‌دهد و از طرفی برای محافظت از افشاگران قوانین و دستورالعمل‌های لازم و در سطح بازار سرمایه تدوین شود.

عمده‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر که احتمالاً می‌توانند تعمیم‌پذیری نتایج حاصل از تحقیق را تحت تأثیر قرار دهند عبارت‌اند از:

۱. وجود برخی عوامل تأثیرگذار نظیر شرایط اقتصادی و ریسک‌های که بر شرکت‌ها (در حالت خرد) و بر کشور (در حالت کلان) مؤثر هستند.
۲. در پژوهش حاضر برای کل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران در نظر گرفته نشده‌اند. لذا در تعمیم نتایج پژوهش باید احتیاط کرد.
۳. تأثیر متغیرهای دیگری که کنترل آنها خارج از دسترس محقق است و امکان بر نتایج پژوهش تأثیر گذاری باشد.

پیشنادهای برای پژوهش‌های آتی

۱. بررسی تأثیر عدم اطمینان محیطی بر گزارشگری مالی متقلبانه.
۲. بررسی واکنش بازار سرمایه به گزارشگری مالی متقلبانه.
۳. بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر اطلاعات محرمانه و نوسانات قیمت سهام.
۴. بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و پیشنهادات قیمت سهام.

یادداشت‌ها

1. Wang
2. Rezaee
3. Krishnan and Wang
4. Chemmanur and Paeglis
5. Hasan
6. Andreou
7. Jensen and Meckling
8. Ajina
9. Chaney
10. Ball and Shivakumar
11. Johnson and Mitton
12. Imai
13. Deng
14. Leuz
15. Piotroski
16. Goldman
17. Bertrand and Schoar
18. Dejong and Ling
19. Katz
20. Ge
21. Carmeli and Tishler
22. Files
23. Chen
24. Demerjian
25. Rego and Wilson
26. Bushman
27. Watts and Zimmerman
28. Lim
29. Fan
30. Correia
31. Zhu and Li
32. Cullinan
33. Boubakri
34. Hambrick and Finkelstei
35. Kamarudin
36. An
37. Haji-Abdullah
38. Rahman
39. Rijsenbilt and Commande
40. Qian
41. BT DEA Solver
42. Eviews
43. Fung

منابع

- ابراهیمی، سید کاظم؛ بهرامی‌نسب، علی؛ حسن‌زاده، مهدی. (۱۳۹۶). واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی. مدیریت سازمان‌های دولتی، ۲(۵)، ۱۶۶-۱۵۱.
- ابراهیمی کردلر، علی؛ شهریاری، علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه هزینه سیاسی و محافظه‌کاری (فرضیه سیاسی) در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۵۷)، ۳-۵۷.
- استراوس، انسلم؛ کرین، جولیت. (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. مترجم: ابراهیم افشار، تهران، نشر نی.
- اعتمادی، حسین؛ عبدلی، لیلا. (۱۳۹۶). کیفیت حسابرسی و تقلب در صورت‌های مالی، دانش حسابداری مالی، ۴(۴)، ۲۳-۴۳.
- ایزدی‌نیا، ناصر؛ گوگرد چیان، احمد؛ تنباکویی، مژگان. (۱۳۹۳). تأثیر توانایی سود بر کیفیت سود. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶(۳)، ۲۱-۳۶.

- تامرادی، علی؛ رستمی‌نیا، رضا؛ سرکمریان، سعیده. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، ۳(۳)، ۱۶-۱.
- ثقفی، علی؛ غلامرضا، کردستانی. (۱۳۸۳). بررسی و تبیین رابطه بین کیفیت سود و واکنش بازار به تغییرات سود نقدی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۱(۳۷)، ۷۲-۵۱.
- چالاک، پری؛ منصورفر، غلامرضا، کرمی، امیر. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر در ماندگی مالی با تأکید بر انعطاف‌پذیری مالی. دانش حسابداری مالی، ۵(۱)، ۱۸۰-۱۵۳.
- خواجه‌جوی، شکراله؛ حسینی، حسین. (۱۳۸۹). بررسی رابطه حمایت سیاسی دولت و ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری، ۲(۱)، ۸۴-۶۷.
- داداشی، ایمان؛ کردمنجیری، سجاد؛ برادران، مریم. (۱۳۹۷). تأثیر ساختار حسابرسی داخلی بر احتمال تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۱۸(۷۰)، ۱۷۴-۱۵۹.
- راهنمای رودپشتی، فریدون؛ محسنی، عبدالرضا. (۱۳۹۷). ارتباطات سیاسی، سود نقدی و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۱(۳۸)، ۱۴۴-۱۲۹.
- رضایی، فرزین؛ افروزی، لیلا. (۱۳۹۴). رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی. پژوهش حسابداری، ۴(۱۶)، ۱۱۲-۸۵.
- رضایی، فرزین؛ رفیعی‌نیا، محسن. (۱۳۹۳). نقش ارتباطات سیاسی بر رابطه ترکیب هیئت‌مدیره با اهرم مالی شرکت. مدیریت نوین، ۳(۲)، ۴۳-۳۴.
- رضایی، فرزین؛ ویسی‌حصار، ثریا. (۱۳۹۳). اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱(۴)، ۴۷۰-۴۴۹.
- رهروی دستجردی، علیرضا؛ فروغی، داریوش؛ کیانی، غلامحسین. (۱۳۹۷). ارزیابی خطر تقلب مدیران با استفاده از روش داده کاوی. دانش حسابداری، ۹(۱)، ۱۱۴-۹۱.
- زارع بهنمیری، محمدجواد؛ ملکیان کله بستی، اسفندیار. (۱۳۹۵). رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر احتمال تقلب مالی با توجه به گزارش حسابرسی صورت‌های مالی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶(۲۱)، ۱۸-۱.
- صفدری، شیماء؛ قربانی، بهزاد؛ موسوی، سید احمد. (۱۳۹۶). تأثیر ویژگی‌های مؤسسه حسابرسی بر توانمندسازی مدیران شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات مدیریت و حسابداری، ۳(۲)، ۲۶۲-۲۵۱.
- فرج‌زاده دهکردی، حسن؛ آقایی، لیلا. (۱۳۹۴). سیاست تقسیم سود و گزارشگری مالی متقلبان. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲(۴۵)، ۱۱۴-۹۷.

- قادری، کاوه؛ قادری، صلاح‌الدین. (۱۳۹۶). تحلیل بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود در شرکت‌های متقلب. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۴(۲)، ۲۶۳-۲۴۳.
- کارشناسان، علی؛ ممشلی، رضا. (۱۳۹۷). تأثیر توانایی مدیریت در کنترل بحران مالی درون سازمانی و احتمال گزارشگری متقلبان. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۷(۲۷)، ۱۰۸-۹۵.
- محسنی، عبدالرضا. (۱۳۹۷). ارتباطات سیاسی شرکت‌ها و هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، ۹(۳۴)، ۲۹۱-۲۷۳.
- محمودآبادی، حمید؛ نجفی، زهرا. (۱۳۹۲). نقش شفافیت اطلاعات در تبیین رابطه بین حمایت سیاسی دولت و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری مدیریت*، ۶(۱۸)، ۷۱-۵۷.
- مشایخی، بیتا؛ حاجی عظیمی، فرزاد. (۱۳۹۷). اثربخشی توانایی‌های مدیریتی بر عملکرد شرکت در مراحل چرخه عمر. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۷(۳)، ۵۴-۲۹.
- منصورفر، غلامرضا؛ قادری، بهمن؛ دانشیار، فاطمه. (۱۳۹۶). فرضیه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۳(۵۳)، ۱۳۴-۱۰۵.
- نیکبخت، محمدرضا؛ دهقانی سعدی، علی اصغر؛ قوهستانی، سمانه. (۱۳۹۶). بررسی اثرگذاری قابلیت‌های مدیران، بر اطمینان بیش از حد و نگرش در انتخاب راهبرد. *علوم اجتماعی و انسانی پیشین*، ۲(۹)، ۱۷۸-۱۵۱.
- نیکبخت، محمدرضا؛ قاسمی، علی. (۱۳۹۷). تأثیر توانایی مدیریت بر رقابت در بازار محصول. *پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۰(۴۰)، ۱۴۶-۱۳۷.
- نیکومرام، هاشم؛ بادآور نهندی، یونس. (۱۳۸۸). تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران. *مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت)*، ۲(۸)، ۱۸۷-۱۴۱.

References

- Ajina, A., Sougne, D., Lakhali, F. (2015). Corporate disclosures, information asymmetry and stock-market liquidity in France. *Journal of Applied Business Research*, 31(4), 1223.
- An, W., Xu, Y., Zhang, J. (2018). Resource constraints, innovation capability and corporate financial fraud in entrepreneurial firms. *Chinese Management Studies*, 12(1), 2-18.
- Andreou, P.C., Ehrlich, D., Louca, C. (2013). Managerial ability and firm performance: Evidence from the global financial crisis. Cyprus university of technology, *Working Paper*.
- Andreou, P.C., Karasamani, I., Louca, C., Ehrlich, D. (2017). The impact of managerial ability on crisis-period corporate investment. *Journal of Business Research*, 79, 107-122.

- Ball, R., & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: comparative loss recognition timeliness. *Journal of accounting and economics*, 39(1), 83-128.
- Bertrand, M., Schoar, A. (2003). Managing with style: The effect of managers on firm policies. *The Quarterly Journal of Economics*, 118(4), 1169-1208.
- Boubakri, N., Cosset, J.C., Saffar, W. (2008). Political connections of newly privatized firms. *Journal of Corporate Finance*, 14(5), 654-673.
- Bushee, B.J. (1998). The influence of institutional investors on myopic R&D investment behavior. *Accounting Review*, 73(3), 305-333.
- Bushman, R.M., Piotroski, J.D. (2006). Financial reporting incentives for conservative accounting: The influence of legal and political institutions. *Journal of Accounting and Economics*, 42(1-2), 107-148.
- Bushman, R.M., Piotroski, J.D., Smith, A.J. (2004). What determines corporate transparency? *Journal of Accounting Research*, 42(2), 207-252.
- Carmeli, A., Tishler, A. (2004). Resources, capabilities, and the performance of industrial firms: A multivariate analysis. *Managerial and Decision Economics*, 25(6-7), 299-315.
- Chalaki, P., Mansourfar, G., Karami, A. (2018). Review the effect of management ability on the financial distress, with an emphasis on financial flexibility in Tehran Stock Exchange listed companies. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 5(1), 153-180 [In Persian].
- Chaney, P.K., Faccio, M., Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of accounting and Economics*, 51(1-2), 58-76.
- Chemmanur, T.J., Paeglis, I. (2005). Management quality, certification, and initial public offerings. *Journal of Financial Economics*, 76(2), 331-368.
- Chen, G., Firth, M., Gao, D.N., Rui, O.M. (2005). Is China's securities regulatory agency a toothless tiger? Evidence from enforcement actions. *Journal of Accounting and Public Policy*, 24(6), 451-488.
- Correia Maria, M. (2012). Political connections, SEC enforcement and Accounting quality. Rock center for corporate governance at stanford university, *Working Paper*.
- Correia, M.M. (2014). Political connections and SEC enforcement. *Journal of Accounting and Economics*, 57(2-3), 241-262.
- Cressey, D.R. (1950). The criminal violation of financial trust. *American Sociological Review*, 15(6), 738-743.
- Cullinan, C.P., Wang, F., Wang, P., Zhang, J. (2012). Ownership structure and accounting conservatism in China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 21(1), 1-16.

- Dadashi, F., KurdManjiri, S., Brothers, M. (2018). The effect of internal auditing structure on the likelihood of fraud on the financial statements of the companies accepted in Tehran Stock Exchange. *Journal Audit Science*, 18(70), 159-174 [In Persian].
- Dejong, D., Ling, Z. (2013). Managers: Their effects on accruals and firm policies. *Journal of Business Finance & Accounting*, 40(1-2), 82-114.
- Demerjian, P.L., Lewis, B.M., McVay, S.E. (2013) Managerial ability and earning quality. *The Accounting Review*, 88(2), 463-498.
- Demerjian, P.R., Lev, B., Lewis, M.F., McVay, S.E. (2012). Managerial ability and earnings quality. *The Accounting Review*, 88(2), 463-498.
- Deng, K., Zeng, H., Zhu, Y. (2017). Political connection, market frictions and financial constraints: evidence from China. *Accounting & Finance*, 59(4), 2377-2414.
- Ebrahimi Kordlar, A., Shahriari, A. (2010). A review of relationship between the political costs and conservatism in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 16(4), 3-57 [In Persian].
- Ebrahimi, S.K., Bahraminasab, A., Mamashli, R. (2017). The effect of financial crisis on earnings quality. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 23(4), 415-434 [In Persian].
- Ebrahimi, S., Bahraminasab, A., Hasanzadeh, M. (2017). The Analysis of Financial Reporting Quality and Tax Avoidance According to Governmental Ownership and Political Connections. *Quarterly Journal of Public Organizations Management*, 5(2), 61-76 [In Persian].
- Etemadi, H., & Abdoli, L. (2018). Audit quality and financial statement fraud. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 4(4), 23-43 [In Persian].
- Fan, J.P., Wong, T.J. (2005). Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets? Evidence from East Asia. *Journal of Accounting Research*, 43(1), 35-72.
- Farajzadeh Dehkordi, H., Aghaei, L. (2015). Dividend Policy and Fraudulent Financial Reporting. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 12(45), 97-114 [In Persian].
- Files, R. (2012). SEC enforcement: Does forthright disclosure and cooperation really matter? *Journal of Accounting and Economics*, 53(1-2), 353-374.
- Fung, S.Y., Gul, F.A., Radhakrishnan, S. (2015). Corporate political connections and the 2008 Malaysian election. *Accounting, Organizations and Society*, 43, 67-86.
- Ge, W., Matsumoto, D., Zhang, J.L. (2011). Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices. *Contemporary Accounting Research*, 28(4), 1141-1179.
- Goldman, E., Rocholl, J., So, J. (2008). Do politically connected boards affect firm value? *The Review of Financial Studies*, 22(6), 2331-2360.

- Gross, C., Königsgruber, R., Pantzalis, C., Perotti, P. (2016). The financial reporting consequences of proximity to political power. *Journal of Accounting and Public Policy*, 35(6), 609-634.
- Habib, A., Hasan, M.M. (2017). Managerial ability, investment efficiency and stock price crash risk. *Research in International Business and Finance*, 42, 262-274.
- Haji-Abdullah, N.M., Othman, R., Marzuki, M.M. (2017). Non-audit services, audit opinion, cultural, affiliated directors and fraudulent financial reporting: Evidence from Malaysia. *Advanced Science Letters*, 23(1), 665-669.
- Hambrick, D.C., Finkelstein, S. (1987). Managerial discretion: A bridge between polar views of organizational outcomes. *Research in organizational behavior*, 9, 369-406.
- Hansen, J., Klamm, B.K. (2012). A study of accounting students'ability to recognize and evaluate fraud risk. *Journal of Theoretical Accounting Research*, 8(1), 1-23.
- Hasan, M.M. (2017). Managerial ability, annual report readability and disclosure tone.
- Imai, M. (2006). Mixing family business with politics in Thailand. *Asian Economic Journal*, 20(3), 241-256.
- Jensen, M.C., Meckling, W.H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
- Johnson, S., Mitton, T. (2003). Cronyism and capital controls: Evidence from Malaysia. *Journal of Financial Economics*, 67, 351-382.
- Kamarudin, K.A., Ismail, W.A.W., Kamaruzzaman, A.A. (2018). Board members diversity and financial statements fraud: malaysian evidence. *In State of the Art Theories and Empirical Evidence* (pp. 165-183). Springer, Singapore.
- Karshenasan, A., Mamashli, R. (2018). The effect of management ability to control the internal financial crisis and the possibility of fraudulent reporting. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 7(27), 95-108 [In Persian].
- Katz, R. (1955). Skills of an effective administrator. *Harvard Business Review*, Jan-Feb.
- Khajavi, S., Hossein, S. (2010). Capital Structure and Political Patronage in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances*, 2(1), 67-84 [In Persian].
- Krishnan, G.V., Wang, C. (2014). The relation between managerial ability and audit fees and going concern opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 34(3), 139-160.
- Leuz, C., Nanda, D., Wysocki, P.D. (2003). Earnings management and investor protection: an international comparison. *Journal of Financial Economics*, 69(3), 505-527.
- Lim, E.N.K. (2002). Hill and Snell (1988) revisited: A critique of agency theory. *Management Research News*, 25(8/10), 119-123.

- Mahmoud Abadi, H., Najafi, Z. (2013). The role of corporate transparency in determining the relationship between government political support and the performance of the companies listed on Tehran Stock Exchange. *Management Accounting*, 6(18), 57-71 [In Persian].
- Mansourfar, G., Didar, H., Hosseinpour, V. (2015). The effect of managerial ability on earning quality of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 7(1), 37-54 [In Persian].
- Mashayekhi, B., Haji Azimi, F. (2018). Managerial ability and company performance in life cycle stages. *Empirical Research in Accounting*, 7(3), 29-54 [In Persian].
- Mohseni, A. (2018). Political connections and the cost of equity capital in listed firms on Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Engineering and Portfolio Management*, 9(34), 273-291 [In Persian].
- Nikbakht, M., Ghasemi, A. (2018). Impact of management ability on product market competition. *Accounting and Audit Research*, 10(40), 137-146 [In Persian].
- Nikbakht, M., Dehgani, A., Gohestani, S. (2017). Investigating the effects of managerial ability on overconfidence and attitude of managers in choosing corporation's strategy. *Journal of Social Sciences*, 9(2), 151-178 [In Persian].
- Nikoomaram, H., Badavar Nahandi, Y. (2009). Explaining and developing a model for determination and evaluation of factors that affect financial reporting quality choice in Iran. *Journal of Productivity Management*, 2(8), 141-187 [In Persian].
- Piotroski, J.D., Wong, T.J., Zhang, T. (2015). Political incentives to suppress negative information: evidence from Chinese listed firms. *Journal of Accounting Research*, 53(2), 405-459.
- Qaderi, K., Ghaderi, K. (2017). The analysis of the executive overconfidence in fraudulent companies. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 24(2), 243-262 [In Persian].
- Qian, M., Pan, H., Yeung, B.Y. (2011). Expropriation of minority shareholders in politically connected firms. In *Finance and Corporate Governance Conference*.
- Rahman, R.A., Sulaiman, S., Fadel, E.S., Kazemian, S. (2016). Earnings management and fraudulent financial reporting: The Malaysian story. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 12(2), 91-101.
- Rahnamay Roodposhti, F., Mohseni, A. (2018). Political connections, dividend and stock return in listed firms on Tehran Stock Exchange. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 11(38), 129-144 [In Persian].
- Rahrovi Dastjerdi, A., Foroghi, D., Kiani, G. (2018). Assessing managers fraud through analysis of board of directors report by data mining. *Journal of Accounting Knowledge*, 9(1), 91-114 [In Persian].
- Rego, S.O., Wilson, R. (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50(3), 775-810.

- Rezaee, Z. (2002). Financial statement fraud: prevention and detection. John Wiley & Sons.
- Rezaei, F., Rafieinia, M. (2014). The role of political communication on the relationship board of directors and financial leverage of company. *Scientific Journals database*, 3(2), 34-43 [In Persian].
- Rezaei, F., Afrouzi, L. (2015). The relation between cost of debt and corporate governance in firms with political connections. *Journal of Accounting Research*, 5(1), 85-112 [In Persian].
- Rezaei, F., Weysihsar, S. (2014). The effect of political connections with the government on the relationship between ownership concentration with quality of financial reporting and the cost of equity capital. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 21(4), 449-470 [In Persian].
- Rijsenbilt, A., Commandeur, H. (2013). Narcissus enters the courtroom: CEO narcissism and fraud. *Journal of Business Ethics*, 117(2), 413-429.
- Safdari, Sh., Ghorbani, B., Mousavi, S. (2017). The effect of audit's features on empowerment of managers of companies accepted in Tehran Stock Exchange. *Journal of Management Studies and Accounting*, 3(2), 251-262 [In Persian].
- Saqafi, A., Kordestani, Gh. (2004). Relation between earning quality and market reactions on dividend changes. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 11(3), 72-51 [In Persian].
- Strauss, A., Carbine, J. (2015). Principles of qualitative research of techniques and stages of the production of the underlying theory. Ebrahim Afshar., Tehran, Nei Publishing [In Persian].
- Tamardadi, A., Rostaminia; R., Sarcoman, S. (2018). Investigating the effect of political connections on the relationship between auditor's selection and transparency of accounting information in Tehran Stock Exchange. *Journal of Research in Accounting and Economic Sciences*, 2(3), 1-16 [In Persian].
- Wang, Z., Chen, M.H., Chin, C.L., Zheng, Q. (2017). Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China. *Journal of Accounting and Public Policy*, 36(2), 141-162.
- Watts, R.L., Zimmerman, J.L. (1990). Positive accounting theory: A ten year perspective. *Accounting Review*, 131-156.
- Zare Bahnamiri, M., Malekian, E. (2016). Ranking the factors affecting financial fraud probability, according to audited financial statements. *Empirical Research in Accounting*, 6(1), 1-18 [In Persian].
- Zhu, C.F., Li, Z.W. (2008). State ownership and accounting conservatism. *Accounting Research*, 5, 38-45.